12683 ـ حرکت در نماز

سوال

برخی از مردم در نماز با لباسشان بازی می‌کنند یا ناخن‌های خود را تمیز می‌کنند یا به ساعت خود نگاه می‌کنند یا کارهای دیگری را در حین نماز انجام می‌دهند به ویژه وقتی که امام در حال قرائت است و این بسیاری اوقات به بغل دستی احساس نگرانی و حواس پرتی می‌دهد. حکم این کار چیست؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

شیخ ابن عثیمین ـ رحمه الله ـ بیان کرده‌اند که اصل دربارهٔ حرکت در نماز این است که مکروه است جز برای نیاز، و با این حال به پنج نوع تقسیم می‌شود:

نوع اول: حرکت واجب.

نوع دوم: حرکت حرام.

نوع سوم: حرکت مکروه.

نوع چهارم: حرکت مستحب.

نوع پنجم: حرکت مباح.

حرکت واجب: آن است که درستیِ نماز به آن حرکت وابسته باشد. مانند آنکه متوجه شود در غتره‌اش نجاست است (غتره: چیزی شبیه کوفیه اما با نقش‌های سرخ که در کشورهای عربی خلیج بر سر خود می‌گذارند). در این حالت واجب است برای از بین بردن آن نجاست حرکت کند و غتره را از سرش بردارد، زیرا پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ در حال امامت نماز برای مردم بود که جبرئیل به نزد ایشان آمدند و خبر دادند که در نعلین ایشان نجاستی هست، پس پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ نعلین خویش را در نماز بیرون آوردند و به نمازشان ادامه دادند. (به روایت ابوداوود: ۶۵۰، آلبانی در إرواء الغلیل: ۲۸۴ آن را صحیح دانسته است).

مانند کسی که در حال نماز به او بگویند که به جهتی غیر از قبله ایستاده و واجب است حرکت کند و رو به سمت قبله کند.

حرکت حرام: حرکت بسیار و پشت سر هم بدون ضرورت؛ زیرا چنین حرکتی نماز را باطل می‌کند و آنچه نماز را باطل کند انجامش حلال نیست، زیرا از جملهٔ به مسخره گرفتن آیات خداوند است.

حرکت مستحب: حرکتی که برای انجام یک کار مستحب در حال نماز باشد. مانند آنکه برای راست شدن صف تکان بخورد، یا در صف جلو جای خالی ببیند و در حال نماز حرکت کند و به سمت جلو برود یا صف جلو کم شود [کسی از صف خارج شود] و حرکت کند و به صف جلو برود و آن را پر کند یا حرکاتی شبیه به این که با آن یک کار مستحب در نماز انجام شود؛ زیرا این کارها برای کامل ساختن نماز است. برای همین وقتی ابن عباس همراه با پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ وارد نماز شد و در سمت چپ ایشان ایستاد، رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ سر ایشان را از پشت سرشان گرفته و در سمت راست خود قرار دادند. (متفق علیه).

حرکت مباح: حرکت کم برای نیاز، یا حرکت بسیار برای ضرورت. حرکت کم برای نیاز مانند کاری است که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ در حال نماز انجام دادند و اُمامه دختر زینب که دختر ایشان بود را در حال نماز در آغوش داشتند. ایشان ـ صلی الله علیه وسلم ـ پدربزرگ مادری اُمامه بودند و هرگاه در حال قیام بودند او را برمی‌داشتند و هرگاه به سجده می‌رفتند بر زمین می‌گذاشتند. (بخاری: ۵۹۹۶، و مسلم: ۵۴۳).

اما حرکت بسیار برای ضرورت، مثالش نماز در حال نبرد است. الله تعالی می‌فرماید: حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ* فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالاً أَوْ رُكْبَاناً فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ [بقره: ۲۳۸ـ ۲۳۹] (بر [ادای] همه نمازها و [به خصوص] نماز عصر کوشا باشید و با فروتنی و فرمانبرداری برای الله به پا خیزید * اگر [از خطر] ترسیدید، در حال پیاده یا سواره [یا حتی با ایما و اشاره نماز را به جای آورید] و چون ایمن شدید، الله را [چنان که به شما آموخته است] یاد کنید [و شکر او تعالی را به جای آورید] که آنچه را نمی‌دانستید به شما یاد داد). زیرا کسی که در حال نماز راه می‌رود شکی در این نیست که حرکت بسیاری انجام می‌دهد اما چون از روی ضرورت بوده مباح است و نمازش را باطل نمی‌کند.

حرکت مکروه: اصل بر این است که هر حرکتی در نماز، جز موارد ذکر شده مکروه است. برای همین به کسانی که در نمازشان حرکت می‌کنند و تکان می‌خورند می‌گوییم کارتان مکروه است و نمازتان را ناقص می‌کند و این چیزی است که از اینها می‌بینیم و می‌بینیم که یکی با ساعت خود یا با قلم یا با غتره یا با بینی‌اش یا با ریشش یا چیزهای دیگر بازی می‌کند و همهٔ این‌ها از نوع مکروه است، مگر آنکه زیاد و پی در پی باشد که در این صورت حرام است و نماز را باطل می‌کند.

ایشان ـ رحمه الله ـ همچنین ذکر کردند که حرکت باطل کنندهٔ نماز تعداد معینی ندارد، بلکه حرکتی است که در منافات با نماز باشد، به شکلی که اگر او را ببینی گویا در نماز نباشد. این همان حرکتی است که نماز را باطل می‌کند، برای همین علما ـ رحمهم الله ـ این را بر اساس عرف تعیین کرده‌اند و گفته‌اند: «حرکت اگر بسیار شود و پی در پی باشد، نماز را باطل

می‌کند» اما عدد معینی را ذکر نکرده‌اند. بعضی از علما هم آن را سه حرکت تعیین کرده‌اند که این تعیین نیاز به دلیل دارد زیرا هر کس عدد معین یا کیفیت معین را مشخص کند باید دلیل بیاورد و گرنه در شریعت الهی به دلخواه خود حکم کرده است». (مجموع فتاوی الشیخ: ۱۳/ ۳۰۹ـ۳۱۱).

از شیخ عبدالعزیز بن باز ـ رحمه الله ـ دربارهٔ مردی پرسیده شد که بسیار در نمازش تکان می‌خورد؛ آیا نمازش باطل است؟ و راه رهایی از این عادت چیست؟

ایشان ـ رحمه الله ـ چنین پاسخ گفتند:

«سنت برای مؤمن آن است که با حضور قلب و خشوع به نماز روی آورد، خواه نماز فرض باشد یا نافله، به دلیل فرمودهٔ الله متعال: قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُون [مؤمنون: ۱ـ۲] (به‌راستی که مؤمنان رستگار شدند * آنان که در نمازشان خشوع دارند). بر او واجب است که در نماز خود اطمینان و آرامش داشته باشد، زیرا این از ارکان و فرایض نماز است. چنان‌که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ به آن شخصی که به خوبی نماز خود را ادا نکرده بود، فرمودند: «بازگرد و نماز بخوان، زیرا که تو نماز نخوانده‌ای». پیامبر این جمله را سه بار تکرار کردند. پس آن مرد گفت: «ای رسول خدا، قسم به آن‌که تو را به حق فرستاده است، من جز این نمی‌دانم، پس به من یاده بده». پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند:

«هرگاه به نماز ایستادی، وضو را کامل انجام ده، سپس رو به قبله کن و تکبیر بگو، آن‌گاه هر مقدار از قرآن که برایت میسر است بخوان، سپس رکوع کن تا زمانی که در رکوع آرام بگیری، سپس سرت را بلند کن تا زمانی که در حالت ایستاده کاملاً راست و متعادل شوی، سپس سجده کن تا هنگامی که در سجده آرام بگیری، سپس سر بردار تا زمانی که در حالت نشسته قرار گرفته و آرام بگیری، سپس دوباره سجده کن تا هنگامی که در سجده اطمینان یابی، سپس سر بردار تا آن‌که در حالت ایستاده قرار بگیری، و این کار را در تمام نمازت انجام بده» (متفقٌ علیه). در روایت ابو داوود این عبارت نیز آمده است: «سپس ام الکتاب (سورهٔ حمد) و هر آنچه که خداوند خواسته است، بخوان».

این حدیث صحیح نشان می‌دهد که اطمینان و آرامش در نماز از ارکان اساسی آن است و بدون آن، نماز صحیح نخواهد بود. بنابراین، کسی که نمازش را با عجله و بدون رعایت طمأنینه بخواند، نمازش صحیح نیست. همچنین، خشوع روح و جان نماز است و برای مؤمن شایسته است که به آن اهمیت داده و در حفظ آن بکوشد.

اما دربارهٔ محدود کردن حرکاتی که مخالف طمأنینه و خشوع هستند به عدد معین ـ مانند سه حرکت ـ حدیثی از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ نیست بلکه سخنی از برخی اهل علم است که هیچ دلیلی برای آن وجود ندارد که بشود بر آن تکیه کرد.

اما مشغول شدن به کارهای بیهوده در نماز، مانند لمس کردن بینی، دست زدن به ریش، مرتب کردن لباس و هرگونه اشتغال غیرضروری، مکروه است و اگر این حرکات زیاد باشد، نماز را باطل می‌کند. اما اگر این حرکات اندک و در عرف ناچیز باشند، یا اگر زیاد باشند اما پیوسته و پشت سر هم انجام نشوند، نماز را باطل نمی‌کنند. بااین‌حال، برای مؤمن شایسته است که خشوع خود را حفظ کرده و از هرگونه حرکت بیهوده ـ کم یا زیاد ـ خودداری کند تا نماز او کامل‌تر و از نقص دورتر باشد.

از جمله دلایلی که نشان می‌دهد حرکات اندک در نماز، یا حرکات زیاد اما غیر پیوسته، موجب بطلان نماز نمی‌شوند، حدیثی است که در آن ثابت شده پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ در حالی که در نماز بودند، در را برای عائشه باز کردند (ابو داود: ۹۹۲، نسائی: ۳/۱۱، ترمذی: ۶۰۱، و این حدیث را شیخ آلبانی در صحیح ترمذی صحیح دانسته است).

همچنین در حدیث صحیحی از ابو قتاده رضی الله عنه نقل شده است که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ در حالی که با مردم نماز می‌خواندند، اُمامه دختر زینب (نوه‌شان) را در آغوش داشتند؛ هرگاه به سجده می‌رفتند، او را بر زمین می‌گذاشتند و هرگاه برمی‌خاستند، او را بلند می‌کردند. (فتاوی علماء البلد الحرام: ۱۶۲ـ۱۶۴).